

و بواسطه تألیف عدیست که نسبت فضل او بر عدوی اقل از  
 فضل عدو اکثر از او برود همچون نسبت عدو اقل باشد بعد  
 اکثر چون چهار که بواسطه تألیف است میان سه شش بر فضل  
 چهار بر سه یک است و فضل شش بر چهار دو و نسبت  
 پنجم چون نسبت میان سه است و شش و فضل آن  
 معانی خواهد آمد اما بیان اول آنکه نسبت چهار بر دو  
 بعد از کل است و چون سه که بواسطه عدیست در میان  
 ایشان در آورند و نسبت حاصل شود یکی بیان دو  
 و سه و آن بعد از شش است و دیگری بیان سه و چهار  
 بعد از آن چهار است و بیان ثانی آنکه نسبت شش بر  
 بعد از کل است و چون چهار که بواسطه تألیف است میان  
 ایشان توسط سه از دو نسبت حاصل شود یکی نسبت  
 چهار بر سه و آن بعد از آن چهار است و یکی نسبت چهار  
 بر دو و آن بعد از شش است و بیان تفصیل وجه تسمیه نسبت

ضعفی بعد از کل است و وجه تسمیه نسبت تألیفی هر  
 معلوم شد چون این تمهید که از شش یافت مینماید  
 که هر ابعاد عدلیست راجع نسبت مساواته میشود و بعد  
 کل قدر تقاضی مثل بالفعل است و در دیگر صور بعد  
 افراد مثل بالفعل تمامه بالقوه است یا از جانب  
 قدر تقاضی یا از جانب عدوی تفاوتین یا بالذات  
 یا با واسطه چنانچه تفصیل برست پس مرجع مایه و ثانی  
 است که ظل و صدمت و قدما احکام و تعظیم نشان  
 نسبت و استنباط وجه آن و استخراج علوم  
 بواسطه آن وجه اعتیالی عظیم بوده و از جمله  
 نسبت مشهوره نسبت عدیست عدیست و نسبت  
 هندسی و نسبت تألیفی نسبت عدوی سابقه ذکر  
 شد و نسبت هندسی است که نسبت اول بود  
 همچون نسبت دو م بتالیفی باشد و این را نسبت